ایجاد جامعه بازیافت (نشریه لوک ژاپن)

 در زندگی مصرف گرای امروز یکی از بهترین راههای‏ حفظ منابع طبیعی جهان بازیابی است.با افزایش آگاهی‏ مردم از بحران تخریب محیطزیست و انباشت پسمانده، این بینش ایجاد شده که در دنیا باید جامعه‏ای به وجود بیاید که بازیافت منابع گرانبها یکی از هدفهای آن باشد.

برای ایجاد یک جامعه بازیافت‏ چندین عامل را باید در نظر گرفت، نخست،هر جامعه-خواه شهر، شهرستان،روستا،محل کار یا مدرسه- باید در فعالیتهای بازیابی شرکت کند و برای استفاده از محصولات بازیافتی‏ تلاش کند.دوم،توسعه تکنولوژی‏ بازیابی باید مورد تشویق قرار گیرد.

هرچه تکنولوژی پیشرفت کند،هزینهء بازیابی مواد کاهش می‏یابد و نحوهء اجرای آن نیز آسانتر می‏شود.برای‏ مثال،استفاده از تکنولوژی‏"سیاه‏ زدائی‏"باعث خواهد شد تا حتی بازیابی‏ کاغذهای سیاه آسانتر صورت گیرد،و رنگبری کاغذ بدون استفاده از کلرین‏ اثر محرب کمتری روی محیطزیست خواهد داشت.

دولت می‏تواند با انجام اقداماتی‏ مانند اعطای کمکهای مالی به فعالیتهای‏ "پژوهش و توسعه‏"در این زمینه به‏ تشویق توسعه تکنولوژی بازیافت کمک‏ کند شیوه‏های بازیافت در ژاپن به اندازهء توسعهء اقتصادی آن کشور پیشرفت‏ نکرده است.اگرچه مردم به‏طور روزافزونی به بازیافت و کاهش پسمانده‏ علاقه نشان می‏دهند،ولی تنها راه‏ افزونتر کردن مردم استفاده از روشهای‏ اقتصادی است.بدین ترتیب، دریافت عوارض زباله می‏تواند به عنوان‏ اقدامی مؤثر به شمار آید.

البته،شهروندان هم‏اکنون نیز برای جمع‏آوری پسمانده به‏طور غیر مستقیم عوارض می‏دهند.در بیشتر شهرهای بزرگ و کوچک و روستاها، بویژه شهرهایی که حد اقل 000/100 نفر جمعیت دارند برای جمع‏آوری‏ پسمانده مستقیما عوارض دریافت‏ نمی‏شود بلکه هزینهء آن را از درآمدهای‏ مالیاتی تامین می‏کنند.هزینهء انجام‏ این کار به ازای هر تن متر یک از 20000 ین(200 دلار)تا 30000 ین‏ و در توکیو تا 50000 ین تمام می‏شود.با این حال،زمان آن رسیده که بین‏ سازمانهای اجرایی و شهروندان در مورد بازبینی سیستم کنونی دریافت‏ عوارض برای جمع‏آوری پسمانده بحث‏ و مذاکره شود.از آنجا که هدف از این‏ کار کاهش و بازیابی پسمانده‏ها است، مبلغ جمع‏آوری شده از طریق دریافتهای‏ مستقیم باید از حسابهای عمومی مجزا باشد،و در صندوقی برای استفاده در پروژه‏های‏"بهبود همسایگی‏"، "جنبش بازیابی‏"،و سایر فعالیتهای‏ که به نفع شهروندان باشد واریز شود. شرکت دادن اهالی شهر در تصمیمگیری‏ برای نحوهء سرمایه‏گذاری مبالغ‏ جمع‏آوری شده نیز می‏تواند مردم را از این فکر که مالیات دوبله می‏پردازند خارج کند.

در این مورد نمونهء خوبی در آمریکا وجود دارد.در سیاتل،واشنگتن، بخشی از عوارض جمع‏آوری پسمانده‏ صرف بازیابی می‏شود.در این شهر، محفظه‏های ویژه زباله با نرخی که به‏ اندازهء پسمانده بستگی دارد به‏ خانواده‏ها اجاره داده می‏شود. شهروندان،هر دو ماه یکبار،هزینهء جمع‏آوری زباله‏های خود را طبق فاکتور به انجمن شهر ارسال می‏کنند،که در آنجا تقریبا 15 درصد از آن به‏ صندوق بازیابی واریز می‏شود.اگر شرایط اقتصادی باعث گردد که هزینهء بازیابی بیش‏از اندازه افزایش یابد یا قیمت بازار خیلی پایین باشد،انجمن‏ شهر می‏تواند از عوارض جمع‏آوری زباله‏ برای اجرای تثبیت قیمت استفاده‏ کند.

در شهرهای بزرگ و کوچک و روستاهای ژاپن نیز دریافت عوارض برای‏ جمع‏آوری زباله آغاز شده است. برای مثال،هر خانوار در شهر ایزومو سالانه یکصد کیسهء اول زباله را به‏ رایگان دریافت می‏کنند.خانواده‏هایی‏ که به کیسهء بیشتری نیاز داشته باشند باید برای هریک مبلغ 40 ین بپردازند. و کسانی که کیسه‏هایشان اضافه آمده‏ باشد می‏توانند آنها را به همان قیمت‏ به انجمن شهر بفروشند.این اقدام‏ به‏"رهیافت ایزومو"شهرت دارد.

اقدامات دیگری نیز می‏توان انجام‏ داد.مثلا به قیمت قوطیهای‏ آلومینیومی نوشابه به هنگام فروش‏ می‏توان مبلغی بعنوان هزینهء بازیابی‏ اضافه کرد،و یا می‏توان از خریدار مبلغی‏ به صورت ودیعه-مثلا 10 تا 20 ین‏ برای هر قوطی-دریافت کرد که پس‏ از بازگرداندن قوطی به فروشگاه یا دستگاه بازیابی آن را پس بگیرد.

واحدهای اقتصای،به خاطر مشارکتشان در توزیع مواد بازیابی شده، باید نقش فعال‏تری ایفا کنند.و سرانجام، تمام صنایع نیز باید برای تولید محصولاتی که بازیابی آنها آسان‏تر باشد تلاش کنند.از طرف دیگر تمام‏ شرکتها آگاه شده‏اند که باید محصولات‏ را از نظر تأثیرشان روی محیطزیست‏ ارزیابی کنند و کالاهایی را ارائه دهند که بیشتر قابل بازیابی باشد.با این‏ حال،بی‏میلی برای اجرای این‏ اقدامات نیز وجود دارد زیرا انجام آن به‏ هزینه و قیمت می‏افزاید و شرکتهایی که‏ این اقدامات را انجام نمی‏دهند از لحاظ اقتصادی برتری پیدا می‏کنند.

البته این واکنش آنها طبیعی است زیرا هدف اولیه هر شرکتی کسب سود است.

در نتیجه،برای انتظارات ما از شرکتهایی‏ که به‏طور مستقل عمل می‏کنند محدودیتهایی نیز وجود دارد.

آنچه که یک جامعهء بازیابی‏کننده‏ نیاز دارد صنایع مهم فعالی هستند که‏ کالاهای استفاده شده و دور ریخته شده‏ را از مصرف‏کننده به واحد بازیابی و دوباره به تولیدکننده منتقل کنند.

یکی ازمشکلات،پیچیدگی مسیر جمع‏آوری مواد قابل بازیابی و توزیع‏ آنها به استفاده‏کنندگان نهایی مانند تولیدکنندگان فولاد و کاغذ است،این‏ مواد ابتدا در اختیار عمده فروشی‏ سیار قرار می‏گیرد که در ازای دریافت‏ آنها پول نقد می‏پردازد.سپس از طریق‏ عمده فروشهای دوم و سوم به دست‏ استفاده‏کنندهء نهایی می‏رسد.از آنجا که حلقه‏های ارتباطی بسیار گوناگونی‏ در این زنجیره وجود دارد،هزینه‏ها افزایش می‏یابد.برای هموارتر کردن‏ این راه،دولتهای محلی باید مراکز دریافت مواد مذکور را ایجادکنند،آنها را به روی واحدهای بازیابی‏کنند،محلی‏ باز بگذارند و مواد دسته‏بندی شده را به‏ طور مستقیم برای تولیدکننده ارسال‏ کنند.

بنابراین،ایجاد جامعه بازیابی‏ کننده مستلزم مشارکت فعال دولت، واحدهای بازرگانی،صنایع ویژه‏ و مصرف‏کننده است.

برای گردآوری تمام این عوامل به‏ نوعی سازماندهی عمومی،همکاری‏ نزدیک بین وزراتخانه‏های گوناگون، وضع قوانین مناسب و اتخاذ تصمیمهای‏ سیاستی مفید نیاز است.